

جستاری بر راهبردهای کنترل کیفری جرائم حوزه کسب و کار

عیسی بنی نعیمه* اکبر وروایی**

چکیده

اهمیت بازگرداندن اعتماد عمومی به فضای کسب و کار و اقتصاد از یک سو و بیگانه بودن حقوق کسب و کار با حداکثر گرایی ابزارهای کنترل کیفری از سوی دیگر، آن هم به دلیل اهمیت حفظ پویایی فضای کسب و کار، نیازمند توجه مبنایی و راهبردی به کنترل کیفری است. علاوه بر این، نظام کیفری برخی از کشورها، از جمله ایران، پایبند حداقل گرایی کنترل کیفری در حوزه کسب و کار نبوده و این رویکرد، اهمیت تحلیل و تبیین نظام مند از اصول کنترل کیفری را برای سیاست گذاران کیفری، دوچندان می‌سازد. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که با توجه به ویژگی‌ها و اصول حاکم بر حقوق کسب و کار، کنترل کیفری باید ملتزم به چه راهبردهایی باشد؟ بر همین اساس، توجه به مقدماتی چون پاسخ‌های مدنی خسارت مدار و نیز تخلفات و پاسخ‌های انتظامی به آن‌ها باعث صرفه‌جویی کنترل کیفری است و علاوه بر آن توجه به جرم انگاری حداقلی نظام مند و نظام پاسخ گذاری ویژه جرائم کسب و کار و متفاوت از جرائم اقتصادی می‌تواند از اجزای مهم نگرش راهبرد مدار تلقی شود. از طرفی دیگر، توجه به ارفاق گرایی و عدم تأکید بر امنیتی نمودن سیاست کنترل کیفری و ایجاد مراجع ویژه تعقیب و دادرسی نسبت به جرائم حوزه کسب و کار خود به عقلانی شدن راهبرد کنترل کیفری منتهی می‌گردد و از این طریق با اعاده اصل اعتماد و شفافیت قانون گذاری ناظر به این جرائم، می‌توان کاهش روز افزون وقوع و تکرار این جرائم را انتظار داشت.

* دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه (نویسنده مسئول)

e.bane.1394@gmail.com

** استاد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

Akbarvarvaei@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱۷

واژه‌های کلیدی: جرائم حوزه کسب و کار، کنترل کیفری، جرم انگاری، پاسخ گذاری.

مقدمه

به تدریج با گسترش وقوع تخلفات و جرائم مختلف در حوزه‌ی کسب و کار، رویکرد غالب نظام‌های حقوقی تلاش در راستای کاهش وقوع تخلفات و جرائم در این حوزه و بهبود فضای کسب و کار (شاه آبادی و پوران، ۱۳۹۳: ۷۲) و در نهایت کاهش تضرر بسیاری از شهروندان جامعه از فعالیت‌های غیراصولی مرتبط جهت یافته است؛ که این دغدغه در تصویب قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار در سال ۱۳۹۰ مشخص است. اهمیت حوزه کسب و کار در برخی کشورها، از جمله فرانسه، آنچنان زیاد بوده است که به تشکیل گفتمان حقوق کیفری کسب و کار منتهی شده است؛ این در حالی است که در بسیاری از کشورها از جمله حقوق آمریکا، بدون سخن از حقوق کیفری خاص کسب و کار تنها جرائم آن‌ها، ذیل مصادیقی چون جرائم علیه تجارت و غیره به رسمیت شناخته می‌شوند. در حقوق کیفری ایران نیز در ادبیات دانشگاهی، حقوق کیفری کسب و کار محور مطالعاتی قرار گرفته است، اما لزوماً این مباحث جنبه‌ی تقنینی ندارند. به تناسب همین جایگاه پر ابهام حقوق کیفری کسب و کار، جرائم مربوطه و سیاست کیفری و غیرکیفری ناظر به آن‌ها نیز با اختلاف نظرها و تفاوت‌های مواجهه است. جرائم حوزه کسب و کار در حقوق کشورهایی چون فرانسه از همان کلیتی برخوردارند که جرائم اقتصادی در ایران دارند. در حقوق ایران، عنوان جرم اقتصادی، بستر کلانی دارد که جرائم کسب و کار را نیز در برمی‌گیرد، زیرا منطق اقتصاد به نحوی است که امور معیشتی کسب و کار و جرائم مرتبط را شامل می‌شود؛ اما در ایران، جرم اقتصادی بودن به مبنایی برای برخورد شدیدتر تبدیل شده است و امکان صدور نهادهای ارفاق آمیزی چون شمول تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و شمول مرور زمان را از بین برده است. این در حالی است که ملاحظات حوزه کسب و کار لزوماً از برخورد کیفری دفاع نمی‌کند. بر همین اساس علاوه بر توجیه مبتنی بر ارزش گذاری در قالب جرم انگاری و تعیین پاسخ‌های کیفری، فرضیه اثربخشی کنترل کیفری و افزایش خطر کیفری برای بزهکاران جرائم حوزه کسب و کار دلیل و مبنای بسیار مهمی است. با توجه به این ملاحظات مشخص می‌گردد که مسئله اساسی در مقاله حاضر تبیین این موضوع است که ورود کیفری به حوزه کسب و کار، آن هم در قالب جرم انگاری و پاسخ گذاری، باید با رعایت چه ضوابطی همراه باشد؟ لذا جهت‌گیری مقاله در عین بازاندیشی شیوه تعامل کیفری با بزهکاران کسب و کار، تلاش می‌نماید که حمایت کیفری را از منظر بزه دیدگان و با هدف بهبود فضای کسب و کار- که مورد تأکید قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار ۱۳۹۰ است- تحلیل راهبردی کند. همچنین هدف بهبود فضای کسب و کار در بند ب از ماده ۲۲ قانون برنامه ششم

۵۵ جستاری بر راهبردهای کنترل کیفری جرائم حوزه کسب و کار

توسعه^۱ مصوب ۱۳۹۵ که ذیل بخش چهارم با عنوان محیط کسب و کار، خصوصی‌سازی و مناطق آزاد آمده است، مدنظر است.

بنابراین، جهت‌گیری اساسی دیگر این است که توسل به کنترل کیفری جرائم حوزه‌ی کسب و کار نیز مستلزم پایبندی به اصول و ویژگی‌های برآمده از حقوق کیفری کسب و کار^۲ است تا از این طریق، نه تنها قانون‌گذاران کیفری بتوانند با راهبردهای اتخاذی، در عین احترام به اقتصاد و ارکان آن بازدارندگی کیفری در حوزه کسب و کار را تضمین نمایند؛ زیرا اعتقاد بر این است که چنانچه کنترل کیفری نظام‌مند و اصولی صورت نگیرد، در عین نقض تحقق اقتصاد پویا و با ایجاد چالش‌های متعدد، زمینه‌ی جرائم مختلفی خواهد شد. همان‌طور که مشخص است، در این مقاله، رد رویه‌های کیفر زدایی (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۱۶-۹۵)^۳ و جرم انگاری مورد عمل در حقوق کیفری کسب و کار مدنظر نیست، بلکه فرض آن است که وقتی در بسیاری از نظام‌های حقوق کیفری از جمله ایران، کیفر زدایی و جرم‌زدایی چندان مورد عمل نیست و کنترل کیفری جرائم حوزه‌ی کسب و کار اولویت عملیاتی به خود گرفته است، لازم است تا این کنترل کیفری با معرفی قواعدی برای سیاست‌گذاران جنایی نظام‌مند شود. در این راستا، ابتدائاً راهبردهای کنترل کیفری مقدم بر جرم انگاری در حوزه کسب و کار بررسی می‌شود تا به موجب آن مشخص گردد که یک نظام کنترل کیفری مؤثر نسبت به این جرائم، باید چه مقدماتی را مدنظر قرار دهد. پس از آن راهبردهای کنترل کیفری ناظر به پاسخدهی جرائم حوزه کسب و کار اشاره خواهد شد و در نهایت با توجه به اهمیت کنترل کیفری شکلی، به راهبردهای ناظر به دادرسی نسبت به جرائم حوزه کسب و کار پرداخته می‌گردد. علت اشاره به اصطلاح راهبرد نیز آن است که این واژه به معنای شیوه دستیابی به هدف است، لذا با نظر به اینکه در اینجا هدف اساسی بهبود فضای کسب و کار است، شیوه‌ی کیفری توسل به این هدف و مراحل آن تبیین و ترسیم گردد.

۱. راهکارهای غیر کیفری مقدم بر کنترل کیفری در حوزه کسب و کار

بدین تعبیر که توجه به حداقل بودن توسل به حقوق کیفری و جرم انگاری‌های مرتبط با

^۱ وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است با هدف تضمین امنیت سرمایه‌گذاری و کارآفرینی در کشور، جذب متخصصان، صیانت، حفاظت و مقابله با اخلال در امنیت اشخاص و بنگاه‌ها و کاهش خطرپذیری (ریسک) اجتماعی در محیط کسب و کار، با همکاری سازمان، سازمان اداری و استخدامی کشور، معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور، وزارتخانه‌های تعاون، کار و رفاه اجتماعی، امور خارجه، اطلاعات، دادگستری و کشور الزامات ارتقای امنیت فضای کسب و کار را تهیه و به تصویب شورای عالی امنیت ملی برساند.

^۲ برای مطالعه‌ی بیشتر در خصوص ویژگی‌های حقوق کیفری کسب و کار ر.ک (جعفری، امین، ۱۳۹۳ الف: ۱۸-۱۵)
^۳ دولت‌ها ابزارهای فراوانی برای حمایت از سرمایه‌گذاری و خصوصی‌سازی در اختیار دارند که از جمله می‌توان به تعدیل ابزارهای زرادخانه کیفری در مواجهه با جرائم و ناهنجاری‌های اقتصادی اشاره نمود. به‌نظر می‌رسد، کیفر زدایی از جرائم کسب و کار قادر است که آرمان مورد نظر ما در خصوص حمایت از اقتصاد و سرمایه‌گذاری را به نتیجه برساند.

آن، به عنوان مینا، می‌توان پیشنهادی چون توسل به حقوق مدنی و پاسخ‌های مدنی و همچنین نگرش اداری انتظامی به برخی تخلفات حوزه‌ی کسب و کار را به عنوان راهکارهای غیر کیفری مقدم بر کنترل کیفری در پی ارائه نمود. پس از اشاره به این مقدمات راهبرد کنترل کیفری، به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که یک سیاست کیفری ناظر به این جرائم باید از چه اجزا و اصول کلی تبعیت کند.

۱.۱. جرم انگاری حداقلی در تنظیم روابط کسب و کار

اصل حداقل بودن حقوق جزا را می‌توان در کنار عناوین دیگری مانند حقوق جزا به عنوان آخرین وسیله، اصل صرفه‌جویی کیفری، اصل تکمیلی یا فرعی بودن حقوق کیفری و نیز اصل حقوق جزا به عنوان آخرین و حداقل وسیله یا چاره به نحو صحیح‌تر و جامع‌تری شناخت. (Jarborg, 2004: 521-534). طبق این اصل مفاهیم پاسخ‌های حقوق کیفری اصولاً دارای ویژگی سرزنش‌کننده اربابی و محدودکننده‌اند (غلامی، ۱۳۹۱: ۴۶)؛ امری که باید در خصوص جرائم حوزه‌ی کسب و کار مشمول کاربرد حداقلی باشد.

لزوم فایده‌گرایی در کیفرگذاری و جرم انگاری و نقض حداقلی آزادی‌های شهروندان از جمله سیاست‌هایی است که در راستای تقویت اصل حداقلی نمودن حقوق کیفری مدنظر قرار می‌گیرد (فرح بخش، ۱۳۹۲، ۴۳-۲۷). با وجود عدم تأیید نتایج پیشگیرانه بازدارندگی (جندلی، ۱۳۹۴: ۲۸)، اما ضرورت کاهش سریع ارتکاب رفتارهای خلاف عرف تجاری-اقتصادی قانون‌گذاران یا سیاست‌گذاران جنایی اولویت خاصی را در سایه بازدارندگی برای جرم انگاری در حوزه کسب و کار قائل می‌شوند. جرم انگاری در فضای بازار سرمایه^۴، جرم انگاری در فضای قاچاق، جرم

۴. در کشور ما هر چند قانون بازار اوراق بهادار از عنوان دست‌کاری بهره نبرده، اما در ماده ۴۶ از قانون بازار اوراق بهادار به ذکر مصادیقی پرداخته که در زمره رفتارهای مادی جرم دست‌کاری قرار می‌گیرد. همگی این مصادیق نوعی تقلب در محیط کسب و کار تلقی می‌شوند.

ماده ۴۶ - اشخاص زیر به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد:

۱- هر شخصی که اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته به نحوی از انحاء به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آن‌ها به هر عنوان نمایندگی داشته باشند، قبل از انتشار عمومی، مورد استفاده قرار دهد و یا موجبات افشاء و انتشار آن‌ها را در غیر موارد مقرر فراهم نماید.

۲- هر شخصی که با استفاده از اطلاعات نهانی به معاملات اوراق بهادار مبادرت نماید.

۳- هر شخصی که اقدامات وی نوعاً منجر به ایجاد ظاهری گمراه‌کننده از روند معاملات اوراق بهادار یا ایجاد قیمت‌های کاذب و یا اغوای اشخاص به انجام معاملات اوراق بهادار شود.

۴- هر شخصی که بدون رعایت مقررات این قانون اقدام به انتشار آگهی یا اعلامیه پذیره‌نویسی به منظور عرضه عمومی اوراق بهادار نماید.

انگاری در قالب کلی جرائم اقتصادی^۵ و امنیتی کردن پاسخ به آن در مواد ۳۶ و ۴۷ ق.م.ا و غیره می‌توانند اولویت کنترل کیفری در نگرش قانون‌گذار ما را تأیید نمایند.

نکته مهم اینکه با نگاهی به آثار پژوهشی متعددی که در رابطه با مصادیق مجرمانه‌ی موجود در حوزه کسب و کار به چاپ رسیده‌اند، تأمین سلامت اقتصاد و بازگرداندن اعتماد عمومی در میان شهروندان را نوعی توجیه بسیار قوی مبنی بر جرم انگاری در حوزه کسب و کار قلمداد می‌کنند (قربانی و باقری: ۱۳۸۹). بدیهی است که این نگرش متضمن ایراد نیست چراکه در برخی نظام‌های حقوقی ضعف و عدم هزینه کرد لازم در اتخاذ دیگر تدابیر پیشگیرانه‌ی غیرکیفری نه تنها خود به دلیل اصلی جرم انگاری در حوزه‌های کسب و کار بدل شده است، بلکه حتی مؤثرترین سیاست در کنترل این رفتارها در فضای کسب و کار تلقی می‌شود. همین ملاحظه باعث شده است که نگرش حداقلی به کنترل از طریق راهبردهای کیفری در حقوق کسب و کار کم‌رنگ‌تر گردد. از همین رو، چنانچه ملاک یک سیاست‌گذار جنایی توجه به این اصل باشد، لازم است که با موارد اخیر مقابله و این چالش‌ها را مرتفع نماید.

محور مهم دیگری که باعث نقض اصل حداقل بودن کنترل کیفری در حقوق کسب و کار شده است، ضعف کنترل‌های درونی مرتبط با کسب و کار است. بدین تعبیر که چنانچه کنترل‌های درونی فضای اقتصادی ضعیف باشد و یا قانون‌گذار کیفری به آن‌ها بی‌اعتماد باشد درصدد بر می‌آید تا از طریق سازوکار کنترل بیرونی که شدیدترین آن جرم انگاری و کیفرگذاری است نسبت به تنظیم بیرونی این فضای کسب و کار اقدام نماید؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، جرم انگاری نوعی ارزش‌گذاری است و این ارزش‌گذاری، در مقام کنترل و دعوت کنشگران حوزه‌ی کسب و کار به رعایت اصول و معیارهای آن تلقی می‌گردد. اگرچه جرم انگاری به منظور ترسیم ارزش‌های حاکم بر روابط کسب و کار کارکرد ویژه‌ای دارد، ولی از آن باید به شکلی حداقلی استفاده کرد؛ زیرا حداقلی کردن حقوق کیفری برای حمایت از ارزشهای پولی، مالی و بانکی، با استفاده از سازوکارهای مختلفی صورت می‌پذیرد که اصولاً رنگ و بوی کیفری ندارند؛ لذا برقراری تقدم و تأخر میان سازوکارها باید مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد. بدین‌سان عمده‌ترین تمرکز برای اینکه بتوان روابط و مناسبات مالی، بانکی و پولی را، هم از بُعد حقوق اقتصادی یا حقوق کسب و کار و هم از نگرش حقوق کیفری ساماندهی کرد در واقع همان فن تنظیم و در واقع چارچوب دهی مناسبات کسب و کار با توجه به قواعد آن است (جعفری، ۱۳۹۳ ب:

^۵ اعتقاد ما بر این است که چنانچه ضربه به اقتصاد به معنای اعم آن مدنظر قرار گیرد، از جمله مهم‌ترین شاخه‌ها و زیرمجموعه‌های جرائم اقتصادی، جرائم حوزه‌ی کسب و کار می‌باشند و میان این دو نوعی رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق با گستردگی جرائم اقتصادی وجود دارد؛ اما چنانچه ضرر به اقتصاد به معنای مضیق و با دامنه‌ی خاصی مدنظر قرار گیرد برخی از جرائم حوزه‌ی کسب و کار از زیرمجموعه‌ی جرائم اقتصادی خارج می‌شوند و بدین ترتیب رابطه میان آن‌ها عموم و خصوص من وجه خواهد بود.

۴؛ بنابراین، حال که قانون‌گذاران استفاده از قواعد بیرونی و مقررات گذاری در حوزه‌ی کسب و کار را به عنوان سازوکاری اصلی مدنظر قرار داده‌اند، مقتضی است که در پرتو اصل حداقلی بودن حقوق کیفری، نگرش طبقه‌بندی شده‌ای را قبل از توجه صرف به کنترل کیفری و با مقدم نمودن پاسخ‌های مدنی و انتظامی اداری حاکم نمایند.

۱.۲. تقدم پاسخ‌های حقوقی بر پاسخ‌های کیفری

بدیهی است قواعد آمره مبتنی بر تنظیم بیرونی^۶ روابط کسب و کار الزاماً کیفری نیستند. قاعداً تنظیم محدودیت‌زا بوده و دولت‌ها برای تحقق سلامت فضای اقتصادی و سامان‌دهی جنبه‌های نوینی از جمله حقوق رقابتی^۷ را در فضای کسب و کار به رسمیت می‌شناسند؛ زیرا در حقوق رقابتی^۸ حمایت از مصرف‌کننده، آزادی دسترسی، افزایش کارایی، رفاه و اشتغال‌زایی مرکز توجه است که این چنین مواردی با فن تنظیم اقتصادی صورت می‌پذیرد. درست است که ضمانت اجرای کیفری^۹ قابلیت اعمال دارد، اما به عنوان اولین پاسخ، نقش و جایگاه پررنگی در این دسته از فن‌ها نخواهد داشت.^{۱۰} بنابراین تنظیم تنها شامل مقررات زدایی نمی‌شود بلکه می‌تواند مشمول مقررات زایی غیر کیفری نیز باشد. تنظیم سنتی آدم اسمیت^{۱۱} که بر اساس آن، بازار به‌خودی‌خود تنظیم می‌گردد، امروزه دیگر موضوعیت ندارد و این سخن که هر اتفاقی که روی دهد به عنوان دولت یا تنظیم‌کننده روابط کسب و کار و برقرار کننده نظم در روابط اقتصادی و مالی می‌توان دخالت کرد، ارزشی ندارد و چنانچه وقایعی حاصل شود، دولت تنها به عنوان ناظر و آن هم در بخش‌های اساسی اقدام می‌کند. تنظیم بیرونی از طرف دولت با جنبه‌های غیر کیفری نیز صورت می‌پذیرد و می‌توان با وضع مقررات حقوقی و تنظیم کسب و کار از طریق رویه‌های سالم رقابتی و قواعد دقیق تجاری، ضرورت توسل به حقوق کیفری را به

^۶ با توجه به موضوعیت داشتن تنظیم به طور کلی، می‌توان علاوه بر تکنیک درونی تنظیم با خودکنترلی به تکنیک‌های بیرونی تنظیم توجه داشت.

^۷ از اساسی‌ترین موضوعات بازار، مسئله رقابت است، چرا که بازار بدون رقابت شکل نمی‌گیرد و حقوق مصرف‌کننده، تأمین امنیت سرمایه‌گذار و توسعه ملی حاصل نمی‌شود. به این ترتیب با تضمین کارکردی رقابت در جریان عرضه و تقاضا، در بازارهای افقی و عمودی مشکلی پیش نمی‌آید. به این وضعیت که تحت قواعد مداخله‌جو بانه دولت در تنظیم بازار رخ می‌دهد «نظم بازار» گفته می‌شود. (صادقی مقدم و غمامی، ۱۳۹۱، ۷۴-۷۳)

^۸ به اعتقاد برخی، «حقوق رقابت به‌عنوان جلوه‌ای از نظم عمومی اقتصادی، سایه‌ای نظارتی دارد». (رهبری، ۱۳۹۵: ۲۲۵)

^۹ Criminal Sanction

^{۱۰} مقابله با رویه‌های ضد رقابتی نیز در حقوق رقابت می‌تواند نوعی تنظیم حوزه‌ی کسب و کار تلقی شود که در قالب آن، از برخی از رویه‌های معاملات گونه مورد نظر در کسب و کار حمایت می‌کند. (میرقاسم جعفرزاده، ۱۳۹۳)

^{۱۱} Adam Smith

حداقل رساند. علاوه بر این، رویه‌ی ابطال قراردادهای و تعهدات^{۱۲} در حوزه‌ی کسب و کار نیز می‌تواند از جمله پاسخ‌های حقوقی مؤثر بدون توسل به جرم انگاری و کیفرگذاری تلقی گردد^{۱۳}. در کنار ایجاد یک نظام حقوقی منسجم که متضمن رویه‌های نظام‌مندی از حقوق و اختیارات مشخص است و در آن نظارت‌های دولتی مختلفی بر رویه‌های کسب و کار صورت می‌گیرد، سیاست حقوقی دیگری که قبل از جرم انگاری باید مدنظر قرار گیرد، تعیین خسارت‌های مدنی در تخلف از رویه‌های کسب و کار است. اگرچه امروزه در برخی از نظام‌های عدالت کیفری، تعقیب کیفری نسبت به طیفی از تخلف‌ها در حوزه‌ی کسب و کار افزایش چشمگیری پیدا کرده است و این افزایش تا جایی است که به زعم برخی، تخلفات و جرائم اندکی را می‌توان یافت که از شمول تعقیب کیفری خارج باشند (Booth, 2007: 1)؛ اما این در حالی است که به موازات این تعقیب کیفری، پیش‌بینی موارد پرداخت خسارت مدنی در ازای برخی از تخلفات حوزه کسب و کار نیز مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته‌اند. لذا تعیین طیفی از خسارت‌های مدنی که دارای دامنه‌ای از خسارت جبرانی ساده^{۱۴} و جمعی است، این نظر را تقویت می‌کنند که تنها تعداد اندکی از تخلفات کسب و کار نمی‌توانند به خوبی به‌واسطه این ابزارها موضوع رسیدگی و تعقیب قرار گیرند. به همین دلیل، تعیین خسارت‌های مدنی در پاسخ به رفتارهای مغایر اصول و عرف کسب و کار، کارآمدتر خواهند بود و این امر معایب جرم انگاری و هزینه‌های سنگین آن بر اقتصاد را نخواهد داشت. حال، چنانچه در یک نظام حقوقی تعقیب

^{۱۲} مصداق مهم و بارز توسل قانون‌گذار به قانون‌گذاری ضمانت اجراهای مدنی در تعهدات کنشگران کسب و کار را می‌توان در ماده ۷ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو ۱۳۸۶ مشاهده نمود. به موجب این ماده «هر نوع توافق مستقیم یا غیرمستقیم بین عرضه‌کننده، واسطه فروش یا مصرف‌کننده که به موجب آن تمام یا بخشی از تعهداتی که عرضه‌کننده بر طبق این قانون و یا ضمانت‌نامه صادره بر عهده دارد ساقط نماید یا به عهده واسطه فروش یا هر عنوان دیگری گذارده شود، در برابر مصرف‌کننده باطل و بلااثر است.

تبصره- انعقاد هر نوع قراردادی که حقوق و تکالیف طرفین قرارداد و مشمولین این قانون در آن رعایت نشود به استناد ماده (۱۰) قانون مدنی و مورد مشابه غیرقانونی و از درجه اعتبار ساقط است».

^{۱۳} از جمله فواید ابطال قراردادهای و تعهدات صورت گرفته را می‌توان در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ۱۳۸۸ مشاهده نمود. به موجب ماده ۲۰ این قانون «مراجع ذی‌صلاح رسیدگی‌کننده می‌تواند علاوه بر مجازات مقرر قانونی، عرضه‌کنندگان کالا و خدمات یا تولیدکنندگان و فروشندگان را مجبور به جمع‌آوری کالاهای عرضه‌شده به منظور تعمیر و اصلاح و رفع عیب کالاهای فروخته شده یا خدمات عرضه شده نماید؛ بنابراین، جمع‌آوری، خود نوعی ریشه در ابطال اعمال و قراردادهای انعقادی کنشگران کسب و کار با متضرران است.

مصداق مشابه در ماده ۴ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو ۱۳۸۶ است که به موجب آن «چنانچه نقص یا عیب قطعات ایمنی خودرو در طول دوره ضمانت پس از سه بار تعمیر همچنان باقی باشد یا در صورتی که نقص یا عیب قطعاتی که موجب احتمال صدمه جسمی یا جانی اشخاص گردد و با یک بار تعمیر برطرف نشده باشد یا خودرو بیش از سی‌روز به دلیل تعمیرات غیرقابل استفاده بماند، عرضه‌کننده مکلف است حسب درخواست مصرف‌کننده خودروی معیوب را با خودروی نو تعویض یا با توافق، بهای آن را به مصرف‌کننده مسترد دارد».

^{۱۴} Simple Compensatory Damages

کیفری گسترش یافته باشد دلیل آن تا حدی می‌تواند به مشکلات مربوط به کاربرد خسارت‌های مدنی مرتبط باشد.

بر همین اساس به نظر می‌رسد که در حقوق ایران، هر اندازه مقررات حقوق تجارت، حقوق مدنی و حقوق کار ضعیف، قدیمی و فاقد نظارت لازم و کافی باشد، حجم بار مقررات کیفری ناظر به کسب و کار افزایش خواهد یافت. وجود مقررات کیفری در قانون بازار اوراق بهادار، قانون تجارت الکترونیک، قانون تجارت، قانون کار، همگی می‌توانند نوعی اذعان ضمنی قانون‌گذار مبنی بر ضعف پاسخ‌گذاری مدنی و حقوقی تلقی گردد^{۱۵}. از جمله رفتارهایی که در ادبیات کسب و کار اکثر کشورها جرم انگاری شده افشای اسرار حرفه‌ای است، حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا حتماً کنترل این رفتار مغایر اصول و رویه‌های کسب و کار مستلزم تعیین کیفر بوده است؟ به نظر می‌رسد که می‌شود با یک دسته‌بندی از افشای اسرار، آن هم بسته به نوع اسرار و یا انتفاع خاطی، موارد شدیداً غیرقابل تسامح را مشمول تعقیب کیفری قرار داد و نسبت به موارد قابل تسامح پاسخ‌های مدنی و پرداخت خسارات اقدام نمود. این در حالی است که افشای بدون مجوز اطلاعات که در ماده ۴۸ قانون بازار اوراق بهادار^{۱۶} پیش‌بینی شده است، مسبوق به ماده و فصلی مختص تعهدات و وظایف مدنی و خسارت‌های مرتبط نیست و رأساً ابتدائی‌ترین پاسخ به این رفتار، پاسخ کیفری است^{۱۷}؛ امری که در این مقاله غیراصولی ارزیابی می‌گردد. از جمله موادی که توسل غیراصولی و سریع به پاسخ کیفری را مدنظر قرار داده است ماده ۱۷۱ قانون کار است، زیرا به موجب این ماده «متخلفان از تکالیف مقرر در این قانون، حسب مورد، مطابق مواد آتی با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به مجازات حبس یا جریمه نقدی و یا هر دو محکوم خواهند شد...». در انتقاد از این نگرش قانون‌گذار، می‌توان عنوان نمود که ضمانت اجرای تکالیف این قانون لزوماً مجازات نیست، بلکه تعیین خسارت‌های مالی که می‌تواند التیامبخش افراد جویای کار و کارگران باشد از اولویت بیشتری برخوردار است.

^{۱۵}. برای مطالعه بیشتر در خصوص مسئولیت کیفری کارمندان بانکی، به عنوان یکی از مهم‌ترین کنشگران حوزه کسب و کار ر.ک (رنگ‌باری، ۱۳۹۵).

^{۱۶}. ماده ۴۸ - کارگزار، کارگزار / معامله‌گر، بازار گردان و مشاور سرمایه‌گذاری که اسرار اشخاصی را که برحسب وظیفه از آنها مطلع شده یا در اختیار وی قرار دارد، بدون مجوز افشاء نماید، به مجازات مقرر در ماده (۶۴۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۶ محکوم خواهد شد.

ماده ۶۴۸ - اطبا و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

^{۱۷}. لازم بود که مقنن قبل از تعیین مجازات، نسبت به تفکیک انتفاع یا عدم انتفاع اقدام می‌نمود. در صورت عدم انتفاع و یا مبنی بودن رفتار بر بی‌مبالاتی و سهو وی، خسارات مدنی متعارف و ساده را تعیین می‌نمود و در صورت انتفاع نسبت به تعیین مجازات، آن هم از نوع جزای نقدی - در ادامه بیشتر تبیین خواهد شد - می‌پرداخت.

بنابراین ملاحظات لازم است قانون‌گذار قبل از جرم‌انگاری با رویکرد حداقلی، در کنار تعیین ضمانت‌اجراهای کیفی، فصل مرتبط با ضمانت‌اجراهای مدنی تخلفات را مدنظر قرار دهد و از این طریق، کیفی کردن کنترل حوزه کسب و کار نیز به شکل نظام‌مندی کاهش پیدا خواهد کرد^{۱۸}. بدیهی است که تعیین پاسخ‌های مدنی باید به شیوه‌ای افتراقی باشد و در خصوص همه‌ی انواع تخلفات در حوزه کسب و کار نمی‌توان از ضمانت‌اجرای مدنی سخن گفت. بر همین اساس لازم است با درجه‌بندی آثار تخلفات، نقض وظایف و درجه‌بندی میزان انتفاع متخلفان و مدنظر قرار دادن میزان سهو و یا تعدد نسبت به تعیین ضمانت‌اجراهای مدنی اقدام نمود. علاوه بر این، میزان خسارت متضرران از تخلفات، خود می‌تواند بسته به نوع تخلف، بر اهمیت پاسخ مدنی در غالب موارد از تخلفات این حوزه تأکید نماید^{۱۹}. نکته دیگری که از اهمیت به سزایی برخوردار است اینکه، ویژگی متخلفان و بزه‌کاران و اینکه کارمند دولت و یا شرکت دولتی هستند و یا شرکت خصوصی، خود می‌تواند به اهمیت تعیین پاسخ کیفی قوت و یا قلت ببخشد.

۱.۳. تقویت و تقدم پاسخ‌های انتظامی بر پاسخ‌گذاری کیفی

از جمله اهدافی که سیاست کنترل بر رویه‌های کسب و کار و لزوم انتظام بخشی به بازار اقتصادی بر ضرورت آن اهمیتی مضاعف می‌بخشد، پذیرش پاسخ‌های انتظامی اداری به رفتارهای مغایر تکالیف و وظایف کنشگران دولتی و غیردولتی صنفی است. این امر به عنوان نوعی راهبرد جانشین کنترل کیفی قلمداد می‌شود، اما به نظر می‌رسد که قبل از کیفی کردن کنترل تمام رویه‌های خلاف هنجار در حوزه کسب و کار، مقتضی است که به پاسخ‌های اداری و انتظامی توجه نمود. پاسخ‌های انتظامی به دنبال نقض مقررات صنفی و گروهی نسبت به شخص بار می‌گردد و خود از نوعی پذیرش اولیه آن‌ها از سوی آن شخص عضو گروه حکایت دارد. این پاسخ‌ها در عین حذف فرآیند طولانی‌مدت حقوقی و کیفی، تسریع پاسخ‌دهی و عدم ایجاد آشفتگی در حوزه‌ی کسب و کار را در پی خواهند داشت. از جمله پاسخ‌های اداری می‌توان جایجایی کارمندان خاطی، احتساب دفعات تخلف انضباطی، کاهش حقوق و غیره در امور کسب و کار دولتی و لغو پروانه کسب-پیش‌بینی شده در قانون امور نظام صنفی شکور مصوب ۱۳۹۲- در

^{۱۸} بنابراین همیشه این سؤال باید در مقابل سیاست‌گذاران جنایی مطرح باشد که آیا اعتماد عمومی سلب شده در حوزه‌ی اقتصادی کسب و کار را می‌توان با ضمانت‌اجراهای مدنی بازگرداند یا خیر؟ که چنانچه پاسخ مثبت باشد؛ تعیین خسارات مدنی بر اساس درجات خطای شخص متخلف قابل تعیین است.

^{۱۹} یکی از مباحث مهم در تعیین نوع کنترل مقتضی در تخلفات و تعیین نوع مجازات در رفتارهای مغایر اصول در حقوق کسب و کار می‌تواند بر یک مطالعه‌ی میدانی بر خواست عمومی متضرران استوار باشد. این امر که خود می‌تواند پژوهش مجزا و مفصلی قرار گیرد، با تعیین سؤالات متعددی از جمله اینکه در کدام تخلف چه نوع پاسخی را برای تخلف و جرم ارتكابی مقتضی می‌دانید خود مبنای مهمی برای تعیین پاسخ‌های کیفی و مدنی قرار گیرد.

کسب و کارهای خصوصی می‌تواند به شکل مؤثری علاوه بر بازدارندگی، به حمایت هرچه بیشتر از متضرران منتهی گردد. امروزه در حقوق کیفری ایران می‌توان پیشروترین بخش حقوق کسب و کار را بازار سرمایه معرفی نمود. در همین راستا، تخلفات انضباطی، مراجع رسیدگی به تخلفات انضباطی، انواع تخلفات، مجازات انضباطی، فرایند رسیدگی در آن‌ها، مقایسه تخلف با اختلاف، مقایسه جرم با تخلف انضباطی، مقایسه جرم با اختلاف از جمله مباحثی است که به شکلی جدی در آن مطرح است (میرزایی منفرد، ۱۳۹۰: ۱۰۱-۸۲). لازم به ذکر است که بسیاری از حوزه‌های کسب و کار جزء اصناف تلقی می‌شوند و به همین دلیل، پاسخ‌هایی که به لحاظ صنفی تعیین می‌گردند و نوعی پاسخ انتظامی هستند، می‌تواند از تأثیر به‌سزایی در کنترل تخلفات آن‌ها داشته باشد. در همین راستا ماده ۷۲ قانون امور صنفی مصوب ۱۳۹۲ نیز خریداران و مصرف‌کنندگان را در اعلام شکایت از تخلفات ذی‌صلاح اعلام نموده است. هرچند پاسخ‌هایی که تعیین می‌شود می‌تواند جریمه مالی را نیز شامل شود اما لغو پروانه کسب و پاسخ‌هایی از این دست که در این قانون پیش‌بینی شده‌اند انتظامی بوده و بر پاسخ کیفری مقدم هستند.

۱.۴. اصول حاکم بر کنترل کیفری جرائم حوزه کسب و کار

حال که مقدمات کنترل کیفری بر جرائم حوزه کسب و کار مشخص گشت، لازم است که اصولی کلی مقتضی در تدوین یک سیاست کنترل کیفری ناظر به این جرائم تبیین و به موجب آن، خطامشی این کنترل برای قانون‌گذار مشخص گردد. از جمله مهم‌ترین اصول کنترل کیفری، لزوم جنبه‌ی مدیریتی بخشیدن به کنترل کیفری جرائم حوزه کسب و کار است تا به مدد آن بتوان ریسک تکرار جرائم را در این حوزه حساس به حداقل رساند. از طرفی دیگر، تقویت عقلانیت در نگرش سیاست‌گذاران جنایی یا عقلانی سازی کنترل کیفری و نیز توجه به بازدارندگی با هدف کاهش تکرار جرائم حوزه کسب و کار، ویژگی‌های مهم دیگری است که باید در قالب کنترل کیفری مدنظر قرار گیرند. با توجه به اینکه از جمله محورهای مهم تجارت مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری^{۲۰} (سعادت جوی اوردکلو و رحیمی، ۱۳۹۳: ۵۹) و تلاش برای کاهش آن ریسک است باید کنترل کیفری نیز ویژگی‌ها و راهبردهای مدیریت ریسک الهام بگیرد^{۲۱}.

^{۲۰} لازم به ذکر است که در دنیای کسب و کار، امروزه برای پیشرفت و توسعه بازار سرمایه ضرورت وجود سیستم یکپارچه مدیریت ریسک و تحلیل‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر ریسک، بیش از پیش اهمیت یافته است، به گونه‌ای که یکی از اصلی‌ترین وجه تمایز سرمایه‌گذاران، اعم از حقیقی و حقوقی در دنیای رقابتی، اتخاذ استراتژی‌ها و جهت‌گیری‌های صحیح در سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی است.

^{۲۱} مدیریت ریسک خود نوعی ایجاد تعادل است و در زمره رویه‌های نظارتی تلقی می‌گردد. به موجب این رویه، پیشنهاد خاصیت نظارت‌گرایی کنترل کیفری قابل استخراج است.

۱.۴.۱. عقلانیت در کنترل کیفی: لزوم عقلانیت کنترل کیفی را می‌توان از جمله اصول مهمی در برخورد نظام‌مند با جرائم حوزه کسب و آر قلمداد نمود. به موجب این اصل، قانون‌گذار کیفی باید جرم‌انگاری و تعیین کیفر را با پایبندی به سلامت اقتصادی و کسب و کار پیش‌بینی نماید. علت اهمیت عقلانیت در جرم‌انگاری در فضای کسب و کار از آن روست که این حوزه، حوزه‌ی آزمون و خطا نیست و اندک اشتباهی در مقام کیفردهی فضای مسموم و کیفی شده‌ی اقتصادی را به وجود خواهد آورد که خود از ایجاد اقتصادی پویا و نیز ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی را با چالش مواجه و حداقل خواهد ساخت. به عنوان مثال عدم نظارت اداری و عدم تقویت جبران خسارت در امور بانکی، باعث شده است که اخیراً بی‌اعتمادی فراوانی به فعالیت اقتصادی بانک‌ها و مؤسسات به وجود آید.^{۲۲} وقایع اخیر مؤسسات خصوصی کاسپن، میزان و غیره با داعیه‌ی داشتن مجوز از بانک مرکزی، بی‌اعتمادی گسترده‌ای را در حوزه‌ی کسب و کار ایجاد نموده‌اند. همین امر چنانچه معطوف به رویه‌های نظارتی شدید در اعطای مجوز و رصد نمودن فعالیت‌ها نباشد، در نهایت تنها پاسخ اعمالی تعیین مجازات و رسیدگی‌های کیفی تحت عناوینی چون اخلال در نظام اقتصادی و غیره خواهد بود. جالب این است که همین پاسخ کیفی نسبت به رفتارهایی که در نتیجه عدم نظارت نظام‌مند بر رویه‌های کسب و کار رخ داده‌اند، با منطق عوام‌گرایی کیفی^{۲۳} دنبال می‌گردد؛ در حالی که عوام‌گرایی (مقدسی و فرجی‌ها، ۱۳۹۲: ۱۵۵-۱۳۷) به دلیل آنکه به سیاست‌گذاری‌های شتاب‌زده منتهی می‌گردد، خود به مصادیقی از عدم عقلانیت و پاسخ‌مبنایی در پاسخ کیفی به جرائم از جمله جرائم کسب و کار منتهی خواهد شد.

از جمله دیگر اقتضائات عقلانیت‌گرایی در کنترل کیفی نیز این است که قانون‌گذار با تجمیع تمام مصادیق جرائم کسب و کار، به موجب قانونی جامع تحت عنوانی مانند جرائم و مجازات جرائم حوزه کسب و کار، اقدام به نظام‌مند سازی مصادیق جرائم، شیوه‌های پاسخ‌دهی و سیاست‌های تعیین مجازات نماید. این امر نه تنها به تقویت اصل شفافیت قانون‌گذاری در حوزه کسب و کار منتهی می‌شود، بلکه علاوه بر آن، کنشگران این حوزه نیز با آگاهی بیشتری از حقوق و وظایف خود به فعالیت‌های مرتبط اقدام می‌نمایند. جلوه مهم عقلانیت را می‌توان در یک مثال بیشتر لمس نمود؛ فرض شود که در عین افزایش قاچاق و رکود بازار داخلی، ولی میزان

^{۲۲} پس از وقوع حوادث اخیر در رابطه با مؤسسات خصوصی، سخنرانی‌ها و اخبار متعددی در رابطه با بازگشت اعتماد به فعالیت بانک‌ها اعلام شده است؛ اما باید مدنظر داشت که بازگرداندن این عدم اعتماد مستلزم کار کارشناسی است و از حوصله شعار خارج.

^{۲۳} Penal Populism

اخیراً نیز در تیتراژ شماره ۱۱۳۴ از روزنامه کسب و کار به مورخ دوم مرداد ۱۳۹۶، پرهیز از سیاست‌های عوام‌پسندانه خواست کنشگران اقتصادی از دولت اعلام شده است.

مالیات‌هایی که از کنشگران حوزه کسب و کار دریافت می‌گردد افزایش یابد؛ عدم وجود توان پرداخت این مالیات‌ها باعث ایجاد جرم فرار مالیاتی می‌گردد. حال در صورت اعمال این پاسخ کیفری، نمی‌توان عقلانیت در پاسخ دهی را برای تعقیب کیفری آنان موجه و قابل دفاع دانست؛ بنابراین، معطوف به تعقیب کیفری عدم پرداخت مالیات و فقدان نظام مالیات دهی متغیر خود به وقوع جرم و تعقیب کیفری آن منتهی می‌شود. این در حالی است که نه تنها وضعیت اقتصادی توجیه‌کننده این میزان مالیات نیست، بلکه این مرتکبان نیز خود را مجرم نخواهند دانست؛ بنابراین نتیجه‌ای که عاید خواهد شد غیرعقلانی خواندن نظام کنترل کیفری مرتبط با جرائم کسب و کار است.

۱.۴.۲. توجه به خصیصه بازدارندگی کنترل کیفری: یکی از مهم‌ترین مبانی جرم‌انگاری جرائم در حوزه‌های دولتی و خصوصی مرتبط با حوزه‌ی کسب و کار جلوگیری از هرج‌ومرج و بی‌نظمی عمومی و ایجاد امنیت و آسایش عمومی است؛ چرا که در پناه آسایش و امنیت و نظم، فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی سالم امکان‌پذیر است. جرم‌انگاری در حوزه‌های خصوصی با هدف بازدارندگی^{۲۴} کیفری باعث می‌شود که حتی در این بخش‌ها نیز مجال ارتکاب جرم از بین رفته و این جرائم کاهش یابد؛ بنابراین از جمله محورهای مهم دیگری که در تعیین سیاست پاسخ‌ده به تخلفات و جرائم حوزه‌ی کسب و کار شایسته‌ی توجه است اینکه، مقنن در مقام تعیین کنترل‌های کیفری غیرکیفری، خصیصه‌ی بازدارندگی را مدنظر داشته باشد. سیاست پاسخ‌دهنده مبتنی بر بازدارندگی، سیاستی جامع و نظام‌مند است که در عین اینکه جامعیت قابل‌توجهی داراست، باعث تقویت این تلقی در میان کنشگران دولتی و غیردولتی حوزه‌ی کسب و کار می‌گردد که هرگونه رفتار خلاف اصول و معایر عرف کسب و کار بی‌پاسخ نخواهد ماند^{۲۵}. در رابطه با توجه به بازدارندگی خاص در جرائم حوزه کسب و کار شایسته‌ی اشاره است که کنترل کیفری باید با تقویت اخلاق‌گرایی کنشگران فضای کسب و کار همراه باشد و از این طریق بتواند با تقویت التزام آن‌ها در عین کاهش تکرار جرم فضای سالم اقتصادی را رقم بزند. هدف از اخلاق‌گرایی نیز بازگرداندن اصل اعتماد^{۲۶} به این فضا است^{۲۷}؛ اصلی که از جمله اصول

^{۲۴} در خصوص بازدارندگی، به اعتبار نوع مجازات و جرائم مرتب با آن تحقیقاتی مختلفی انجام شده است که برای مطالعه بیشتر بیشتر ر.ک: ابراهیمی، (۱۳۸۷)؛ محمودی جانکی و آقای، (۱۳۸۷)؛ محبی، (۱۳۸۶)؛ میرزایی مقدم، (۱۳۹۰، برومند، (۱۳۹۲)؛ ^{۲۵} برای مطالعه بیشتر در خصوص حقوق و وظایف بانک‌ها به عنوان مهم‌ترین کنشگران حوزه کسب و کار ر.ک (سلطانی، (۱۳۹۵)

^{۲۶} Confidence/Confiance

^{۲۷} لازم به ذکر است که توجه به اخلاق در کسب و کار تأکید بر تصمیمات اخلاق مدار در این حوزه از دهه‌ی ۸۰ میلادی و از زمان تحقق کلاهبرداری‌های متعدد در آمریکا و رسوایی‌های بازار سرمایه‌ی این کشور به شکل جدی مطرح شد. تصمیم‌های اخلاق مدار، حوزه‌های مختلفی را از قبیل اخلاقیات اطلاعات از بازار، اخلاقیات تولید، اخلاقیات قیمت‌گذاری، اخلاقیات توزیع،

جستاری بر راهبردهای کنترل کیفری جرائم حوزه کسب و کار ۶۵

مهم حقوق کیفری کسب و کار است (جعفری، ۱۳۹۳ الف: ۱۲۸). لازم به ذکر است که اهمیت ساخت فضای کسب و کار تا بدان جاست که چنانچه بنا به ارزیابی قضایی، تحقق اصل اعتماد مستلزم حذف موقت یا دائم بزهکار از آن فضا باشد، اتخاذ این پاسخ غیرمنطقی نخواهد بود.

۲. راهبردهای ناظر به شیوه تعیین پاسخ کیفری در جرائم حوزه کسب و کار

از جمله محورهای مهم کنترل کیفری توجه به بُعد پاسخ دهی مرتکبان این حوزه است. اولاً اینکه مجازات متناسب با این جرائم چه نوع و میزانی داشته و با چه معیارهایی منطبق باشد و ثانیاً تا چه اندازه مقنن می‌تواند دامنه‌ی ارفاق گرای کیفری و بهره‌مند ساختن مرتکبان آن از تسهیلات ارفاق آمیز را پیش‌بینی نماید، سوالاتی هستند که در این قسمت بدان‌ها پاسخ داده خواهد شد.

۲.۱. توزیع مجازات متناسب

همان‌گونه که اندیشمندان حقوق کیفری مدرن نیز اذعان نموده‌اند؛ متناسب بودن کیفر^{۲۸} با شدت جرم ارتكابی و آسیب وارده به جامعه و در قالب رعایت اصل سودمندی حقوق کیفری و تحقق بازدارندگی از ویژگی‌های اساسی حقوق کیفری قلمداد می‌شود (پرادل، ۱۳۹۲: ۵۲-۵۱، اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۱۶-۱۱۳، رحیمی نژاد و حبیب زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۱۵). رعایت اصل تناسب خود از دو بُعد قضایی و تقنینی برخوردار است؛ در بعد قضایی، محاکم در زمان صدور حکم به لزوم رعایت مجازات تعیین شده با جرم ارتكابی هدایت می‌شوند و این امر در قالب ماده ۱۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲ و دیگر مواد قوانین مختلف مورد تأکید قرار گرفته است. از منظر قضایی، جرائم حوزه کسب و کار تفاوت قابل ذکری از حیث اقتضای رعایت تناسب قضایی با دیگر جرائم وجود ندارد، امری که به نظر می‌رسد به عنوان یک چالش اساسی قابل بحث باشد. اگرچه این چالش مهم در جرائم مختلفی شایسته تحلیل‌های کیفر شناختی است (غلامی و افضلیان، ۱۳۸۹: ۱۷۹-۱۴۱) اما توجه به آن در هنگام جرم انگاری جرائم کسب و کار از اهمیت به سزایی برخوردار است و تأمین اقتصادی پویا و علاوه بر آن تحقق بازدارندگی حداکثری کنشگران آن مقتضی توجه ویژه است. بنابراین، در حوزه کنترل کیفری رفتارهایی که مقنن در صدد جرم انگاری و توزیع کیفر برای آن‌هاست مقتضی است که ابتدائاً به این سؤال پاسخ دهد که از دامنه‌ی مجازات موجود،

اخلاقیات فروش و غیره را شامل می‌شود. (برای مطالعه بیشتر ر.ک (ب چانگو، ۱۳۸۵؛ و همچنین نهنوندیان، ۱۳۸۵) این اخلاق‌گرایی در کسب و کار جایگاه ویژه‌ای دارد و چنانچه نظام کنترل کیفری با توجه به این نظام اخلاقی اقدام به کیفرگذاری بنماید، مسلماً به موفقیت در بازدارندگی و کاهش رویه‌های ضد اخلاقی نائل خواهد آمد.

^{۲۸}. توجه به این اصل تناسب جرم و مجازات، (یزدیان جعفری، ۱۳۸۷، ۱۵۶-۱۳۷) در تمام ارکان کنترل کیفری از جمله جرائم حوزه‌ی کسب و کار اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

کدامیک برای آن رفتار جرم انگاری شده متناسب است؟ بدیهی است که حوزه‌ی انتخاب سیاست‌گذار جنایی در میان مجازات سلب حیات، سلب آزادی، مجازات بدنی و مجازات مالی مطرح است. در حقوق کیفری کشورهای پیشرو، از جمله فرانسه، آمریکا و انگلستان، مجازات سالب حیات، حتی در موارد کلاهبرداری شرکتی کلان از جمله پرونده مدوف^{۲۹} مورد استفاده قرار نگرفته است. مجازات بدنی نیز در رابطه با جرائم مبتنی بر انتفاع مالی و یا جرائم مبتنی بر تخلف از ضوابط و متناسب نیست و هیچ‌یک از کشورهای مورد اشاره بدین سمت سوق پیدا نکرده‌اند؛ بنابراین تنها انتخابی که برای تعیین مجازات نسبت به این رفتارها وجود دارد حبس و جزای نقدی است. گرایش عمومی سیاست‌گذاران در قالب تعیین مجازات متناسب، حبس زدایی حداکثری و تعیین مجازات مالی نسبت به رفتارهایی است که ماهیتاً با هدف انتفاع و یا عدم هزینه کرد اضافی صورت گرفته‌اند.^{۳۰} بر همین اساس، می‌توان در برخی از مواد قانونی ناظر به تعیین مجازات نسبت به رفتارهای مجرمانه حوزه کسب و کار از توجه قانون‌گذار به جایگاه مهم‌تر جزای نقدی نسبت به حبس یاد نمود. مثلاً با تلقی جرم پولشویی ارتكابی توسط کارمندان بانک به عنوان نوعی جرم کسب و کار، مجازات آن به موجب ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی ۱۳۸۶ محکومیت به جزای نقدی و استرداد عواید حاصل از آن است.^{۳۱} مثال دیگر ناظر به یکی از رفتارهای خلاف رویه‌های کسب و کار در تولید محصولات و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان است که قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ۱۳۸۸ علاوه بر توجه به جبران خسارت مدنی، به پرداخت جزای نقدی نیز در مواد ۱۸ و ۱۹ حکم داده است.^{۳۲}

²⁹ Bernard Madoff

برای مطالعه بیشتر این پرونده ر.ک (جعفری، ۱۳۹۳ الف، ۱۳۷ و همچنین ابراهیمی و صادق نژاد نائینی، ۱۳۹۲).
^{۳۰} همچنین قانون‌گذار در ماده ۱۸۲ از قانون کار به شکلی ظریف به اهمیت پاسخ جزای نقدی در رویه‌ی خلاف ضوابط و معیارهای تعیین شده اشاره کرده است. به موجب این ماده «کارفرمایانی که بر خلاف مفاد ماده ۱۹۲ این قانون از تسلیم آمار و اطلاعات مقرر به وزارت کار و امور اجتماعی خودداری نمایند، علاوه بر الزام به ارائه آمار و اطلاعات مورد نیاز وزارت کار و امور اجتماعی، در هر مورد با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به جریمه نقدی از ۵۰ تا ۲۵۰ برابر حداقل مزد روزانه کارگر محکوم خواهند شد».

^{۳۱} ماده ۹ - مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصل (و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن) به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می‌شوند که باید به حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد.

^{۳۲} ماده ۱۸ - چنانچه کالا یا خدمات عرضه شده توسط عرضه کنندگان کالا یا خدمات معیوب باشد و به واسطه آن عیب، خساراتی به مصرف کننده وارد گردد متخلف علاوه بر جبران خسارات به پرداخت جزای نقدی حداکثر تا معادل چهار برابر خسارت محکوم خواهد شد.

ماده ۱۹ - عرضه کنندگان کالا و خدمات و تولیدکنندگانی که مبادرت به تخلفات موضوع مواد (۳) الی (۸) این قانون نمایند در صورت ورود خسارات ناشی از مصرف همان کالا و خدمات به مصرف کنندگان علاوه بر جبران خسارت وارده به جزای نقدی حداکثر معادل دو برابر خسارت وارده محکوم خواهند شد.

در مواردی نیز سیاست‌گذاران به اهمیت هم‌عرض جزای نقدی با حبس تأکید نموده است. به عنوان مثال در صدر ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار ۱۳۸۴ بدین شرح به این اهمیت هم‌عرض توجه نموده است «اشخاص زیر به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد...». ایجاد دامنه‌ی انتخاب میان حبس و جزای نقدی در این ماده، تعیین تکلیف را در قالب اصول عام تعیین کیفر فردی و متناسب با جرم ارتكابی به محاکم و رویه‌ی قضایی واگذار نموده است. همچنین توزیع مجازات متناسب کیفری و نه لزوماً تأکید بر جزای نقدی که در خصوص شرکت‌های بزرگ متولی امور کسب و کار کارایی چندانی ندارد، مورد تأکید برخی مطالعات بوده است (پاسبان و غلامی، ۱۳۹۶: ۵۳).

حال اگرچه موارد مورد اشاره در توجه به جزای نقدی بسیار مهم است، اما کماکان لزوم تأکید حداکثری بر حبس زدایی در جرائم سبک حوزه کسب و کار شایسته توجه قانون‌گذار است. از یک طرف وقوع اکثر جرائم در این حوزه بعد از انتفاعی دارند و از طرفی دیگر، دسته دیگری از جرائم در این حوزه به صرف عدم رعایت سهوی یا عامدانه ضوابط تعریف شده جرم انگاری شده‌اند و بحث انتفاع در آن‌ها مطرح نیست. بر مبنای همین تفکیک، می‌توان نوعی تفکیک دوگانه کیفرگذاری را قائل شد که اصل بر تعیین جزای نقدی نسبت به جرائم حوزه کسب و کار است، اما در مواردی که عامدانه رفتاری ارتكاب یابد و در اثر آن رفتار نیز انتفاعی ایجاد گردد، لازم است که بسته به میزان انتفاع، حبس در درجه اول مجازات متناسب مدنظر قرار گیرد. چنانچه این امر، در مرحله تقنین و سیاست‌گذاری جنایی محقق نگردد، لازم است که از سوی قانون‌گذار طی دستورالعملی برای محاکم ذیصلاح، این تفکیک در تعیین مجازات به عنوان راهبردی عملی، ایجاد و نهادینه گردد؛ با این هدف که در موادی چون ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار، قضات با نوعی وحدت رویه اقدام به تعیین کیفر بنمایند.

در آخر می‌توان به شکلی خاص‌تر از نوعی پیشنهاد راهبردی در رابطه با تضمین حداکثری تناسب پاسخ کیفری با رفتارهای مجرمانه‌ی حوزه کسب و کار سخن گفت. با توجه به ملاحظات فوق‌الذکر و با نظر به وسعت جرائم حوزه کسب و کار، طبقه‌بندی کیفر بر اساس نتایج حاصله را می‌توان به عنوان عاملی در راستای توزیع متناسب‌تر پاسخ‌های کیفری مدنظر قرار داد. نتایج نیز، بسته به تحقق یا عدم تحقق آن‌ها و نیز بسته به نوع نتیجه، دامنه و گستره آن و نیز تعداد متضرران آن رفتار قابل طبقه‌بندی هستند^{۳۳}.

تبصره - در صورتی که عرضه کنندگان کالا و خدمات از ایفاء هر یک از تعهدات خود در قبال خریدار خودداری کرده و یا آن را به صورت ناقص و یا با تأخیر انجام دهند مکلف‌اند علاوه بر انجام کامل تعهد، خسارت وارده را جبران نمایند.
^{۳۳}. اینکه جرائم حوزه کسب و کار می‌توانند مشمول جرائم تبعی و یا تکمیلی گردند می‌توان عنوان نمود که چنانچه شرایط مقرر در این مجازات وجود داشته باشند ممنوعیتی برای اعمال این مجازات وجود ندارد.

۲.۲. تسامح کیفری مبتنی بر اقتضائات کسب و کار

در خصوص تعیین تقنینی و قضایی مجازاتی که قانون‌گذار در قوانین تعیین نموده است، این سؤال قابل طرح است که تا چه اندازه می‌توان در قالب تقنینی و یا قضایی امکان ارفاق در کیفر را برای بزهکاران جرائم کسب و کار پیش‌بینی نمود؟ سؤال متقابل و مهم این است که آیا می‌توان قالب سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه^{۳۴} و امنیت مدار (جعفریان سوته، ۱۳۹۴: ۶۵) را که بر جرائم اقتصادی سایه افکننده است نسبت به جرائم کسب و کار تسری داد و یا خیر؟ بدین تعبیر، اعتقاد ما بر این است که جرائم اقتصادی^{۳۵} در ایران همان وسعتی را دارد که جرائم حوزه‌ی کسب و کار در حقوق فرانسه از آن برخوردار است؛ زیرا به اعتقاد نویسندگان فرانسوی از یک طرف جرائم اقتصادی تحت عنوان جرائم کسب و کار قرار می‌گیرند و از طرفی دیگر تفاوت عملی میان حقوق کیفری کسب و کار و حقوق کیفری اقتصادی وجود ندارد (ابراهیمی و صادق نژاد نائینی، ۱۳۹۲: ۱۴۹) این در حالی است که در ایران، جرم اقتصادی بودن به مبنایی برای برخورد شدیدتر تبدیل شده است و مجال هر نوع ارفاقی را از بین برده است؛ اما همان‌طور که پیش از این بر ضرورت مقابله دقیق و کنترل کیفری نظام‌مند تأکید شده است، نمی‌توان جرائم کسب و کار را مشمول همان نظام پاسخ دهی جرائم اقتصادی دانست و حتی به لحاظ مفهومی نیز برخی معتقدند که جرائم اقتصادی مفهومی گسترده‌تر از جرائم کسب و کار دارد (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۶۹). هرچند این نظر، به طور کلی و از حیث عدم توجه به گستردگی جرائم کسب و کار واجد ایراد است، اما می‌تواند الهام بخش لزوم تفاوت در سیاست کنترل کیفری میان جرائم اقتصادی و جرائم کسب و کار باشد. با نظر به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، جرائم اقتصادی، به استناد بند ج ماده ۴۷ از شمول تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات و به استناد بند ب ماده ۱۰۹ از شمول مرور زمان مستثنی هستند. علاوه بر این، می‌توان تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا.م.ب بر صدور حکم محکومیت^{۳۶} را تا اندازه‌ی بر مبنای عدم ارفاق به جرائم اقتصادی دانست. این عدم

^{۳۴}: لازم به ذکر این نکته‌ی مهم است که اگرچه سیاست کیفری سخت‌گیرانه از مبنای اقتصادی نیز برخوردار است، اما آنچه بیشتر بدان جهت می‌دهد رویکرد عوام‌گرایی کیفری است. این در حالی است که به اعتقاد ما، عوام‌گرایی کیفری با ضرورت کنترل کیفری علمی در مقابل جرائم حوزه‌ی کسب و کار در تضاد است و می‌تواند سلامت و امنیت حوزه‌ی کسب و کار را برهم زند.

^{۳۵}: در تعاریف رایجی که از جرائم اقتصادی شده است به «رفتارهای غیرقانونی بر ضد نظام اقتصادی» و یا رفتار به انگیزه‌ی تحصیل مزایای اقتصادی اطلاق شده است. برای مطالعه بیشتر رک (توسلی، ۱۳۹۲)؛ (نورزاد، ۱۳۸۹)؛ (گسن، ۱۳۹۴). به اعتقاد برخی نیز عدم تعریف جرم اقتصادی به خودی خود امری معمول و فاقد ایراد است (خدائیان چگنی، ۱۳۹۱: ۳۲)

^{۳۶}: از جمله بدیهیات حقوق کیفری کسب و کار این است که انتشار حکم محکومیت نوعی خدشه به اصل اعتماد و روابط مشتریان با شرکت قلمداد می‌شود (جعفری، ۱۳۹۳ الف: ۱۲۳)

ارفاق گرابی را می‌توان در قالب ملاحظاتی چون حاکمیت رویکرد امنیت مدار^{۳۷} نسبت به جرائم اقتصادی توجیه نمود. با توجه به همین امر و لزوم تفکیک مفهومی و عملی از جرائم کسب و کار با جرائم اقتصادی، می‌توان عدم لزوم تفکر امنیت مدار نسبت به جرائم کسب و کار را برداشت نمود. از همین رو به نظر می‌رسد می‌توان نوعی افتراقی شدن انتشار حکم محکومیت در مصادیق مختلف جرائم حوزه کسب و کار را پیشنهاد داد و به موجب آن هر رفتاری اشخاص حقیقی و یا حقوقی مشمول موارد مقرر انتشار حکم نگردد.

با توجه به تأکید فراوانی که بر رویه‌های جرم‌زدایی و کیفر زدایی در حوزه‌ی کسب و کار می‌شود، عدم برخورد سخت‌گیرانه با این جرائم نگرش پرطرفداری است؛ زیرا به اعتقاد محققان و نویسندگان اقتصادی عمل برخلاف آن، باعث می‌شود که امنیت دنیای اقتصاد از بین برود (Booth, 2007: P 35). به عنوان مثال انتشار حکم محکومیت یکی از فعالان کسب و کار در روزنامه‌ها باعث می‌شود که اعتماد مورد نیاز در فضای کسب و کار از بین برود و بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های احتمالی و رونق جزئی بازار اقتصادی به محاق برود. از همین رو است که نگرش عدم ارفاق در کنترل کیفی بر فضای کسب و کار بسیار باید محتاطانه صورت بگیرد. به عنوان مثال عدم تعلیق اجرای مجازات مرتکبان کسب و کار باعث خواهد شد که توان حداقلی کنشگران کسب و کار برای ادامه فعالیت اقتصادی و پاسخگویی به بدهکاران و یا جبران خسارت احتمالی آنان از بین برود. همچنین در قالب اشاره به دیگر مصادیق می‌توان به جرائم گمرکی، احتکار، پولشویی کارمندان بانک، برخی از مصادیق جرائم مالیاتی اشاره داشت که در قالب آن‌ها، اگرچه مقنن آن‌ها را نوعی جرم اقتصادی دانسته است، ولی با خارج نمودن آن‌ها از حوزه جرائم اقتصادی و یا حداقل قوت بخشیدن به جنبه کسب و کار بودن این جرائم، نسبت به ارفاق و یا عدم ارفاق مبتنی بر کسب و کار و شرایط آن حکم داد. سخن در این قسمت دفاع از ارفاق گرابی افراطی نیست، بلکه بحث این است که چنانچه رفتاری از آن خاصیت شدت برخوردار نباشد و صرفاً ملاک شدت آن بالا بودن مبلغ موضوع آن باشد، نمی‌توان با ایجاد یک دامنه مبتنی بر عدم ارفاق، همه‌ی مصادیق را در یک ترازوی شدت برخورد کیفی و عدم بهره‌مندی از تسهیلات ارفاق آمیز قرار داد. لذا نگرش شدت مدار کنترل کیفی و نیز یکسان با جرائم اقتصادی امر قابل دفاعی نیست.

۳. راهبردهای کنترل کیفی ناظر به فرآیند دادرسی

بدون پرداختن به جنبه شکلی و دادرسی کنترل کیفی، تبیین این کنترل و اثربخشی آن

^{۳۷}. تأمین نظم و امنیت عمومی و ایجاد ثبات دائمی در حاکمیت سیاسی، منفعتی اولویت‌دار و مهم است که در تمامی مراحل دادرسی و نیز پرهیز از جرم انگاری حداکثری (داگلاس، ۱۳۹۰) را از یاد برده است. (مجیدی، ۱۳۸۸: ۳۲۷)

با چالش مواجه خواهد بود. بدین تعبیر که از یک طرف باید بررسی نمود که کنترل کیفی از حیث اختصاص مراجع خاص در تعقیب جرائم حوزه‌ی کسب و کار تا چه اندازه نظام‌مند است و اینکه، در کنار توجه به اولویت‌گذاری پاسخ دهی شکلی، چه راهبرد اجرایی می‌تواند به شکلی مؤثر بر کاهش جرائم کسب و کار تأثیر مثبت داشته باشد.

۳.۱. اختصاصی کردن مرجع رسیدگی

با توجه به دشواری‌های احراز و کشف، شناسایی مرتکبان و نیز تعقیب کیفی جرائم در حوزه کسب و کار، مقتضی است که در قالب ایجاد الگوی جامع تعقیب از ضابطین خاص گرفته تا مراجع تعقیب، تحقیق و دادرسی متناسب ایجاد و به موجب آموزش‌های اختصاصی مرتبط، عملکرد اختصاصی آن‌ها تقویت گردد؛ زیرا همان‌طور که اشاره شده است، توجه و پیاده‌سازی یک راهبرد نظام‌مند که در آن به بحث بازدارندگی، کاهش ریسک تکرار جرائم از طریق راهبرد مدیریتی، اتخاذ تعقیب کیفی بدون لطمه به اجرای کلان و خرد اقتصادی و غیره، همه و همه نیازمند اختصاصی نمودن دادرسی کیفی در حوزه جرائم کسب و کار است. اینکه ضابط قضایی خاصی در خصوص جرائم حوزه کسب و کار ایجاد شود می‌تواند در کنار دیگر حوزه‌هایی که به موجب قانون دارای ضابط خاص و یا مستلزم آن-با بستر مشابه در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲- هستند پیشنهاد مهمی است. بدیهی است که همین قیاس در رابطه با لزوم حسن اجرای وظایف در رابطه با جرائم حوزه کسب و کار قابل اعمال است و نتیجه‌ی این قیاس لزوم وجود قدرت قابل توجه در تعقیب این جرائم خواهد بود. به منظور تقویت فعالیت ضابطان قضایی خاص لازم است چالش‌های تقنینی^{۳۸} و قضایی متعدد موجود برطرف گردد. در قالب سازمانی تعقیب و تحقیق، تخصیص دادرسی ویژه امور اقتصادی نیز با همان استدلال سابق‌الذکر، مبنی بر لزوم تفکیک جرائم اقتصادی از جرائم کسب و کار، نمی‌تواند پاسخگوی لزوم تخصصی بودن رسیدگی و تحقیق از جرائم حوزه کسب و کار گردد.

یکی دیگر از محورهای مهم در توجه به مقوله‌ی تعقیب در کنترل کیفی، میزان توجه و پذیرش سیاست جنایی مشارکتی (جمشیدی، ۱۳۹۰) در پاسخ دهی به جرائم حوزه کسب و کار است. اینکه تا چه اندازه می‌توان تعقیب جرائم حوزه‌ی کسب و کار را معطوف به اعلام گزارش از سوی سازمان‌های مردم نهاد نمود محل سؤال است. در مقام پاسخ می‌توان چنین اشاره داشت

^{۳۸} ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری ۳۱/۰۶/۱۳۹۴ «مأمورانی که گزارش آنان به موجب قانون به منزله گزارش ضابطان دادگستری است از قبیل مأموران شهرداری و مأموران جهاد کشاورزی و همچنین مأمورانی که در قانون صراحتاً به ضابط بودن آن‌ها اشاره نشده، اما قانوناً تکالیفی مشابه ضابطان دادگستری به آن‌ها محول گردیده، نظیر بازرسان و کارشناسان موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی و بازرسان وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، مشمول این آیین‌نامه نبوده و حسب مورد مشمول قوانین خاص خود می‌باشند».

که به استناد ماده ۶۶ ق.ا.د.ک ۱۳۹۲ (اصلاحی و اجرایی ۱۳۹۴)، تنها زمانی اعلام جرم سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند منشأ اثر باشد که بزه دیدگان اطفال و نوجوانان یا اشخاص ناتوان دیگر باشند و در قالب حوزه‌ای مانند محیط‌زیست، بهداشت عمومی، میراث فرهنگی بتوان جرائم کسب و کار را قرار داد؛ اما سایر حوزه‌های مورد اشاره از جرائم حوزه کسب و کار دور است. آنچه بدیهی است اینکه شمول سیاست جنایی مشارکتی (شیعه علی و زارع، ۱۳۹۴: ۲۸۷) نسبت به تعقیب جرائم حوزه کسب و کار بسیار موردی است و این امر نشان از عدم تسری این نحو از آغاز تعقیب است. این در حالی است که قسمت اعظمی از جرائم حوزه‌ی کسب و کار، از قبیل جرائم بازار سرمایه، جرائم بانکی، جرائم مقرر در قانون کار، جرائم علیه حقوق مصرف‌کننده، واجد متضرران هستند و نقش سازمان‌های جامعه‌ی در این راستا می‌توانست بسیار مؤثر ارزیابی گردد.

لازم به ذکر است که امروزه عملکرد نهادهای داوری در رسیدگی به اختلافات بازرگانی، اقتصادی از جمله در قالب بازار سرمایه از جایگاه مهم روزافزونی برخوردار شده است. از همین رو، نظام بخشی نحوه‌ی رسیدگی و تشریفات آن‌ها می‌تواند به عنوان کنترل مقدم بر کنترل کیفی مدنظر قرار بگیرد (میرزایی منفرد، ۱۳۹۰: ۵۶-۸۹). پس از آن نهادها، نهادهای دادرسی و مبتنی بر محاکمه خود مستلزم اختصاصی شدن است و تعیین مراجع خاصی که به جرائم کسب و کار رسیدگی می‌کنند، خواه در سطح دادگاه کیفی یک و خواه در سطح دادگاه کیفی دو، ضرورت دارد. نکته‌ی مهم دیگری که می‌تواند حکایت از رویکرد مقدم بر رسیدگی قضایی-کیفیی تلقی گردد، در تبصره ۲ ماده ۷۲ قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. به موجب این مقرر «رسیدگی بدوی به تخلفات موضوع مواد ۵۷ (گران‌فروشی)، ۵۸ (کم‌فروشی)، ۵۹ (تقلب)، ۶۰ (احتکار) و ۶۳ (عدم اجرای ضوابط قیمت‌گذاری و توزیع) در مواردی که موضوع شکایت شاکی یا گزارش بازرس حاکی از تخلف بیش از سه میلیون (۳,۰۰۰,۰۰۰) ریال است، توسط هیئتی متشکل از یکی از رؤسای شعب سازمان تعزیرات حکومتی، نماینده اتاق اصناف و نماینده سازمان صنعت، معدن و تجارت با دعوت از شاکی و مشتکی‌عنه انجام خواهد شد.» این امر خود تلاشی است بر بازگرداندن اعتماد عمومی به فضای کسب و کار و عدم احاله رسیدگی‌های سبک به مراجع قضایی و تعیین کیفر است. هرچند مقررات این ماده از کاستی‌هایی نیز در به دلیل بی‌ضابطگی برخوردار است، اما رویکرد تقنینی مبتنی بر قضازدایی در آن قابل توجه است.

۳.۲. برقراری اولویت راهبردی در نهادهای پاسخ‌دهنده

به تناسب نوع تقدم مطرح شده در سیاست پاسخ‌دهنده مقدم بر سیاست کنترل کیفی، می‌توان مراجع را به همان موازات از خاصیت‌های سه‌گانه حقوقی، اداری-انتظامی و کیفی تعیین و پیشنهاد نمود. اینکه معیار آغاز فرآیند پاسخ دهی هر یک از این مراجع چیست را نوع

تخلف و رفتار تعیین می‌کند. در مدلی که پیشنهاد پژوهش حاضر است، اگر تخلفات سبک حوزی کسب و کار از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی ارتکاب یافته باشند، پاسخ متناسب پاسخ حقوقی و مدنی خواهد بود و در همین وهله نیز، چنانچه این اشخاص واجد رده‌های تعیین کیفرهای انتظامی هم باشند می‌توان از پاسخ انتظامی سخن گفت. بدیهی است که چنانچه رفتار ارتكابی این اشخاص بسیار شدید باشد می‌توان حتی شمول هر سه پاسخ را نسبت به این رفتار متصور دید. علاوه بر این، در مواردی نگرش قانون‌گذار به سمت پاسخ‌های نظارت مدار جهت یافته است و نظارت سازمان‌ها بر رویه‌های کسب و کار را نوعی پاسخ اولویت مدار بر کنترل کیفری دانسته و چنانچه این نظارت وجود نداشته باشد باعث تحقق رفتارهای مجرمانه خاصی می‌گردد^{۳۹}. در نهایت لازم به اشاره است که به منظور عدم محاکمه مجدد مرتکبان و جلوگیری از آشفتنگی حداکثری اقتصادی و بازار کسب و کار بایستی با تبیین مدل رسیدگی و پاسخ دهی واحد و عدم تکرار آن نسبت به یک رفتار اقدام نمود.

۳.۳. اقامه دعوی گروهی^{۴۰}؛ راهکاری مؤثر در کنترل کیفری شکلی

بدیهی است که به دلیل گستردگی جرائم کسب و کار و بزه دیدگان آن‌ها، می‌توان انتظار عدم ایفای حق همه‌ی متضرران را در آن داشت؛ امری که با نظر به مثال جرائم شرکت‌ها علیه مصرف‌کنندگان بسیار مشهود خواهد بود. از همین رو، با توجه به ملاحظات برخاسته از حقوق اقتصادی، با هدف تضمین حقوق بزه دیدگان و اثربخش‌تر نمودن کنترل کیفری، لازم است که در قالب دادرسی شکلی به اقامه‌ی دعوی گروهی و ساماندهی آن در حقوق کیفری کسب و کار پرداخته شود. به تعبیر دیگر، دعوی گروهی از سوی افراد متعدد علیه خواننده‌ی واحد اقامه می‌گردد^{۴۱}. امروزه دعوی گروهی به عنوان یکی از اقسام طرح دعوا به صورت دسته‌جمعی از

^{۳۹} امروزه شیوه‌های سرمایه‌گذاری به مراتب متفاوت از گذشته بوده و همان اندازه که جمع‌آوری سرمایه جهت توسعه طرح‌های تولیدی و عمرانی بنگاه‌های اقتصادی آسان است، به همان نسبت نیز بیم سوءاستفاده و کلاهبرداری از سرمایه‌گذاران وجود دارد. یکی از شیوه‌های جمع‌آوری وجوه سرمایه‌گذاران و انتقال آن به حوزه‌های تولیدی، عمرانی و اقتصادی کشور و یا تأسیس شرکت‌های سهامی عام و یا افزایش سرمایه آن‌ها، پذیرهنویسی است که با انتشار آگهی پذیرهنویسی در رسانه‌های گروهی انجام می‌شود و سرمایه‌گذاران متناسب با شرایط مقرر در آن اقدام به واریز وجوه به حساب شرکت مربوطه کرده و بدین طریق در پذیرهنویسی مشارکت می‌کند. طبیعی است که نهادهایی باید در این فرایند نظارت مستقیم داشته تا از حفظ و رعایت حقوق سرمایه‌گذاران اطمینان حاصل کنند. این نظارت را قانون‌گذار بر عهده سازمان بورس و اوراق بهادار گذاشته تا مؤسسان یا مدیران شرکت‌ها، پس از اخذ تأییدیه از این سازمان، اقدام به انتشار اعلامیه پذیرهنویسی کنند. عدم اخذ تأییدیه از سازمان قبل از مجوز مرجع ثبت شرکت‌ها، یک عنوان مجرمانه جدید و خاص است. برای مطالعه بیشتر ر.ک میرزایی منفرد، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۶.

^{۴۰} Class Action

^{۴۱} دادخواهی انفرادی شیوه رایج پیگیری تضییع حق در نظام‌های حقوقی است؛ اما در مواردی که خواسته یا ارزش آن ناچیز باشد، اشخاص عموماً طرح دعوا نمی‌کنند، زیرا هزینه آن بیش‌تر از سودش است. در مقابل، خواننده برخلاف قانون، ثروت

جایگاه ویژه‌ای در حقوق آمریکا برخوردار است. طرح دعوا به صورت گروهی، فرصت و امکان احقاق حق برای تعداد کثیری از افرادی که به تنهایی انگیزه کافی برای پیگیری مطالبات اندک خود ندارند را فراهم می‌آورد. از طریق این شیوه اقامه دعوا، کارایی سیستم قضایی افزایش می‌یابد و طرح دعوا از سوی تعداد زیادی از افراد، مقرون به صرفه جلوه می‌نماید (قاسمی حامد و فلاح، ۱۳۹۳: ۸۹). دعاوی گروهی در زمینه‌های متعددی از قبیل حقوق مصرف‌کننده، ضد انحصار، حقوق استخدامی، حقوق مدنی، محیط زیست و... طرح می‌شوند. کسب و کارهایی که با دامنه‌ی گسترده در کشور در حال فعالیت هستند، طبیعتاً بزه دیدگان گسترده و کشوری دارند و لذا یکی از مؤثرترین اقدامات در تعقیب کیفری ایجاد سامانه‌های دعوای گروهی خواهد بود. از جمله مهم‌ترین کسب و کارها، کسب و کارهای اینترنتی (مجازی) و کسب و کارهای خدمات مخابراتی هستند. این در حالی است که به استثنای ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیکی که به شکلی کلی به طرح دعوا به نیابت از مصرف‌کنندگان را مطرح نموده است (محسنی، غفار فارسانی و شوشی نسب، ۱۳۹۱: ۱۷۹)، هیچ مقدره دیگری در این خصوص پیش‌بینی نشده است. در مقام پیشنهاد تقنینی می‌توان چنین بیان نمود که بایستی در قانون اقامه دعوای گروهی هم منشأ تعقیب دعوای حقوقی و اداری انتظامی پیش‌بینی گردد و هم در موارد مقتضی مبنایی برای آغاز تعقیب کیفری جرائم حوزه‌ی کسب و کار. مزایای متعدد اقامه دعوای گروهی نه تنها کاربرد روزافزونی را برای آن در تعقیب جرائم حوزه‌ی کسب و کار ایجاد می‌کند، بلکه علاوه بر آن، می‌توان نظام‌مندترین کنترل شکلی ناظر به این جرائم را به وجود آورد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توجه و توسل ابتدایی روزافزون قانون‌گذاران به حقوق کیفری در راستای مقابله با جرائم حوزه کسب و کار به رویکرد عملیاتی سیاست‌گذاران جنایی از جمله کشور ما تبدیل شده است. اگرچه این نگرش، با لزوم حفظ سلامت و پویایی اقتصاد و فضای کسب و کار در تضاد است، اما عدم التزام آن به راهبردها و اصول ناظر به کنترل کیفری، نمی‌توان تحقق اهداف مورد انتظار از آن را انتظار داشت. به همین دلیل به موجب نگرش راهبرد مدار التزام قانون‌گذاران به مقدمات

بداوردی‌های به دست می‌آورد. این وضعیت وقتی تشدید می‌گردد که تعداد خواهان‌ها زیاد بوده، اکثر آنان به علت کم بودن ارزش خواسته، طرح دعوا نکنند. در حقوق آمریکا و کانادا دعوای گروهی را برای مواجهه با چنین وضعیت‌هایی طراحی کرده‌اند. در آمریکا چندین گروه پیش‌بینی شده که افراد مشمول هریک از آن‌ها می‌توانند با جمع شرایط مقرر اقدام به طرح دعوا کنند. شرط تعدد، اشتراک، شاخصیت و شایستگی نماینده باید در همه گروه‌ها وجود داشته باشد (شرایط عام) تا دادگاه گروه را تأیید کند؛ اما در دعوای گروهی مطالبه خسارت لازم است این شیوه برای رسیدگی به اختلاف بر دیگر شیوه‌های تجمیع دعوای متعدد برتری داشته، مسائل مشترک دادرسی بر مسائل فردی آن غالب باشد (شرایط خاص). در حقوق کانادا چنین تفکیکی وجود ندارد. (طهماسبی، ۱۳۹۳، ۱۵۳)

ماقبل از جرم انگاری و کیفرگذاری، راهبردهای ناظر به تعیین مجازات و راهبردهای کنترل شکلی جرائم حوزه کسب و کار می‌نماید. به موجب این راهبردهای سه گانه ابتدائاً لازم است که قانون‌گذاران در پرتو اصل حداقل بودن کنترل کیفری جرم انگاری و کیفرگذاری را مدنظر قرار دهد و در پرتو آن ابتدائاً پاسخها و راه‌حل‌های مدنی و سپس اداری انتظامی را موضوع قانون‌گذاری قرار دهد. گستره پاسخ‌های مدنی و اداری انتظامی در حقوق کسب و کار ایران قابل توجه است و به شکلی مستقیم و غیرمستقیم مدنظر قرار گرفته است اما گستره‌ی فراوانی از تخلفات و رویه‌های مغایر اصول کسب و کار متصف به جرم انگاری و پاسخ‌گذاری شده‌اند. این در حالی است که به نظر می‌رسد بسیاری از این رفتارها را می‌توان با همان پاسخ‌های مدنی، جبران خسارت و مجازات انتظامی تعیین تکلیف نمود. حال در قالب جرم انگاری رفتارها، اگرچه بسیاری از رویه‌های مغایر اصول و ضوابط کسب و کار جرم انگاری شده‌اند، اما پراکندگی قوانین و فقدان قانون جامع ناظر به جرم انگاری از جمله ایرادات اساسی این کنترل کیفری است. در تعیین پاسخ‌های کیفری ناظر به این جرائم نیز، مقنن با یکسان نمودن برخی از جرائم حوزه کسب و کار با جرائم اقتصادی، به شکل غیرقابل قبولی این دو مصداق مجرمانه را مشمول سیاست واحد کیفردهی نموده است. به موجب همین سیاست نیز سیاست‌های سختگیرانه‌ای بر جرائم حوزه کسب و کار اعمال شده است؛ امری که با ماهیت این جرائم همخوانی ندارد و این شدت قابل دفاع نیست و بتوان با نظارت‌گرایی و اعمال تسهیلات ارفاق‌آمیز به شکلی بهتر به تأمین منافع سیاست‌های اقتصادی کسب و کار نائل آمد. به همین دلیل توجه به پیشنهاد‌های ذیل شایسته توجه ویژه است:

- ۱- تمام مصادیق مجرمانه مرتبط با حوزه کسب و کار و با ارائه لیست این جرائم و تفکیک آن‌ها از جرائم مشابه مدنظر قرار گیرد؛ که می‌توان این مصادیق را در کنار قانون ناظر به بهبود مستمر فضای کسب و کار پیش‌بینی نمود.
- ۲- راهبرد کنترل شکلی کیفری در خصوص این جرائم از مراجع تعقیب، نحوه تعیین پاسخها و پذیرش اقامه دعوی گروهی جنبه تقنینی در کنار مصادیق مجرمانه پیدا کند.

منابع

- ابراهیمی، شهرام و مجید صادق نژاد نائینی (۱۳۹۲)، «تحلیل جرم شناختی جرائم اقتصادی»، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، سال دوم، شماره ۵، زمستان، صص ۱۷۴-۱۴۷.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۷)، «بازدارندگی از منظر حقوقی و جرم شناسی»، **مجله کاراگاه**، شماره ۵؛ زمستان، صص ۳۳-۵۱.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، تهران: نشر میزان.
- چانکو، ب، لارنس (۱۳۸۵)، **تصمیم سازی اخلاقی در کسب و کار**، ترجمه فرید ایران پناه، تهران: انتشارات مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.
- برومند، فاطمه (۱۳۹۲)، **ارزیابی بازدارندگی مجازات حبس، جزای نقدی و تعلیق در جرائم نظامی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- پاسپان، محمدرضا و ابوالفضل غلامی (۱۳۹۶)، «ادغام‌های ضدرقابتی و ضمانت اجرای های مقرر در حقوق ایران»، **فصلنامه مطالعات حقوقی**، دوره نهم، شماره ۱، بهار، صص ۳۱-۵۵.
- توسلی، توران (۱۳۹۲)، **پیشگیری از جرائم اقتصادی**، تهران: نشر جنگل (جاودانه).
- جندلی، منون (۱۳۹۴)، درآمدی بر پیشگیری از جرم (تعارف، تاریخچه، رویکردها، دورنما)، ترجمه شهرام ابراهیمی، تهران، نشر میزان.
- هوساک، داگلاس (۱۳۹۰)، **جرم انگاری حداکثری**، ترجمه محمد تقی نوری، تهران: انتشارات مجد.
- جعفری، امین (۱۳۹۳ الف)، **حقوق کیفری کسب و کار**، تهران: انتشارات شهر دانش.
- جعفری، امین (۱۳۹۳ ب)، **تکنیک تنظیم در مناسبات کسب و کار ساز و کار پیشگیری از جرم‌های بانکی**، نشست هفتاد و نهم در سلسله نشست‌های علوم جنایی، در: **دایره المعارف علوم جنایی**، کتاب دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۵)، «کیفر زدایی از جرائم کسب و کار»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره هشتم، شماره ۹۴، تابستان، صص ۹۵-۱۱۶.
- جعفریان سوته، سید حسن (۱۳۹۴)، از عدالت کیفری امنیت مدار تا عدالت کیفری کرامت مدار (علل و راهکارها)، **نشریه علمی تخصصی اندیشه های حقوق کیفری**، سال اول، شماره ۱، صص ۳۵-۵۶.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۰)، **سیاست جنایی مشارکتی**، تهران، نشر میزان.
- خدائیان چگنی، ذبیح‌الله (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرائم اقتصادی»، **فصلنامه مطالعات حقوقی**، دوره چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۵۸-۳۱.
- صادقی مقدم، حسن و سید محمد مهدی غمامی (۱۳۹۱)، «نظم بازار؛ مطالعه‌ی تطبیقی حقوق ایران و فرانسه»، **فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۷۳-۹۱.
- رحیمی نژاد، اسمعیل و محمدجعفر حبیب زاده (۱۳۸۷)، «مجازات نامتناسب؛ مجازات مغایر با کرامت انسانی»، **فصلنامه حقوق دانشگاه تهران**، دوره سوم، شماره ۲، تابستان، صص ۱۱۵-۱۳۳.

- رهبری، ابراهیم (۱۳۹۵)، «بررسی قواعد رقابتی ناظر به دانش فنی؛ مطالعه‌ای تطبیقی در حقوق آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران»، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (حقوق سابق)**، دوره چهل و ششم، شماره ۲، تابستان، صص ۲۴۴-۲۲۵.
- رنگباری، ناصر (۱۳۹۵)، **حقوق بانکی**، تهران: انتشارات جنگل.
- سعادت جوی اوردکلو، مهدی و مهدی علی رحیمی (۱۳۹۳)، «مدیریت ریسک و کاربرد آن در بازار سرمایه با استفاده از مدل ریسک سنجی ارزش در معرض خطر»، **نشریه مدیریت صنعتی**، دوره نهم، ویژه نامه مدیریت و حسابداری، تابستان، صص ۷۲-۵۹.
- سلطانی، محمد (۱۳۹۵)، **حقوق بانکی**، تهران: نشر میزان.
- شاه آبادی، ابوالفضل و رفیه پوران (۱۳۹۳)، «نقش کارایی سیستم قضایی در سهولت کسب و کار»، **دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی**، شماره ۵، بهار و تابستان، صص ۹۷-۷۲.
- شبعه علی، علی، وحید زارع و مجتبی زارع (۱۳۹۴)، «جایگاه سیاست جنایی واکنشی در مرحله تعقیب در حقوق کیفری ایران»، **دو فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی**، دوره دوم، شماره ۴ و ۵، پاییز و زمستان، صص ۳۱۰-۲۸۷.
- طهماسبی، علی (۱۳۹۳)، «مطالعه تطبیقی شرایط دعوی گروهی در حقوق آمریکا و کانادا؛ آموزه‌هایی برای حقوق ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره هجدهم، شماره ۳، پاییز، صص ۱۷۷-۱۵۳.
- غلامی، حسین (۱۳۹۱)، «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، سال اول، شماره ۲، زمستان، صص ۶۵-۴۱.
- غلامی، حسین و مینا افضلیان (۱۳۸۹)، «رویکردی کیفر شناختی به مبانی و کیفیت توزیع مجازات در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی»، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، سال پنجم، شماره ۱۶، پاییز، صص ۱۷۲-۱۴۱.
- فرح بخش، مجتبی (۱۳۹۲)، **جرم انگاری فایده گرایانه**، تهران: نشر میزان.
- قاسمی حامد، عباس و آرزو فلاح (۱۳۹۳)، «دعوی گروهی و تأثیر آن بر حقوق مصرف‌کننده»، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۶۵، بهار، صص ۱۲۲-۸۹.
- قربانی، مجید و عباس باقری (۱۳۸۹)، «دست‌کاری بازار اوراق بهادار»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، دوره ۱۲، شماره ۱، ۲۹، تابستان، صص ۳۲۶-۳۰۱.
- گسن، رمون (۱۳۹۳)، **جرم شناسی جرائم اقتصادی**، ترجمه شهرام ابراهیمی، تهران: نشر میزان.
- محمودی جانکی، فیروز و سارا آقایی (۱۳۸۷)، «بررسی نظریه بازدارندگی مجازات»، **فصلنامه حقوق دانشگاه تهران**، دوره ۳۸، شماره ۶۴، تابستان، صص ۳۶۱-۳۳۹.
- محبی، جلیل (۱۳۸۶)، **تشدت و قطعیت مجازات در حقوق ایران**، فقه امامیه و قانون جزای چین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- مجیدی، سید محمود (۱۳۸۸)، «جلوه‌های ظهور حقوق کیفری امنیت‌مدار در فرانسه»، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان، صص ۳۴۱-۳۲۷.

جستاری بر راهبردهای کنترل کیفری جرائم حوزه کسب و کار ۷۷

محسنی، حسن، بهنام غفار فارسانی و نفیسه شوشی نسب (۱۳۹۱)، «دعاوی جمعی و نقش آن‌ها در احقاق حقوق مصرف‌کنندگان»، **فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی**، دوره یکم، شماره ۱، پاییز، صص ۱۵۷-۱۸۲.

مقدسی، محمدباقر و محمد فرجیها (۱۳۹۲)، «ویژگی‌های سیاست کیفری عوام‌گرا؛ مطالعه تطبیقی»، **فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۳۷-۱۵۵.

میرزایی مقدم، مرتضی (۱۳۹۰)، **نظریه بازدارندگی مجازات و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

میرزایی منفرد، غلامعلی (۱۳۹۰)، **حقوق بازار اوراق بهادار (بخش اختلافات)**، تهران: نشر میزان.
میرزایی منفرد، غلامعلی (۱۳۹۳)، «تحلیل جرم انتشار آگهی یا اعلامیه پذیره‌نویسی بدون مجوز سازمان»، **فصلنامه بورس اوراق بهادار**، شماره ۲۵، صص ۸۲-۱۰۱.

میرسعیدی، منصور و محمود زمانی (۱۳۹۲)، «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه»، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، سال دوم، شماره ۴، پاییز، صص ۱۶۷-۱۹۹.

میرقاسم جعفرزاده، سید مهدی حسینی مدرس (۱۳۹۳)، «تحلیل رقابتی شرایط معاملات تبعیض‌آمیز در حقوق رقابت ایران، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۱۴۵-۱۷۲.

نهبوندیان، محمد (۱۳۸۵)، **درآمدی بر اخلاق کسب و کار در محیط جهانی**، تهران: انتشارات مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.

یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۷)، «اصل تناسب جرم و مجازات؛ چرایی و چگونگی آن»، **نامه مفید (نامه حقوقی)**، دوره چهاردهم، شماره ۶۷، صص ۱۳۹-۱۵۶.

ب. لاتین

- A. Booth, Richard, (2007) «what is a Business Crime?» **Villanova University School of Law, School of Law Working Paper Series**, Paper 98, PP 127-145
- Jarborg, Nils (2004) «Criminalization Last Resort (ultimaratio)» , **Ohio State Journal of Criminal Law**, Vol 2, PP 521-534